

تحلیل ژئوپلیتیک الگوهای رفتاری مبتنی بر تنازع و تعامل در روابط ایران و عربستان سعودی

* هوشمند زارعی دارامودی^۱، حمیدرضا محمدی^۲، محسن عزیززاده طسوج^۳

۱. کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۰ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

چکیده

شناخت عوامل مؤثر بر روابط کشورها از ضرورتها و پیش‌نیازهای تأمین منافع ملی و تنظیم چگونگی سیاست خارجی دولت‌هاست. این عوامل می‌توانند شاخص‌های زیربنایی یا روبنایی قدرت‌ساز کشورها یا علائق متنوعی باشند که مناسبات آن‌ها را شکل می‌دهد. ژئوپلیتیک با واکاوی عوامل مختلف شکل‌دهنده قدرت ملی کشورها، علائق و منافع مختلف بازیگران، شناخت بنیادها و بسترهای بحران‌های منطقه‌ای و تحلیل بر مبنای عوامل ثابت و متغیر جغرافیایی فهم و آگاهی مورد نیاز را برای تدوین سیاست خارجی واقع‌گرا و عاقلانه فراهم می‌کند. کشورهای قرارگرفته در یک منطقه ژئوپلیتیک که وزن و قدرت ملی تقریباً یکسانی دارند، همواره به دنبال ایجاد گونه‌ای از توازن قوا در مناسبات ژئوپلیتیک خود هستند که بتواند اهداف و منافع ملی آن‌ها را نیز تأمین کند. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به سبب همسایگی و وجود عوامل و اگرچه همگرایی مؤثر در سیاست‌های داخلی و خارجی خود، الگوهای رفتاری خاصی را در دوره‌های مختلف تاریخی روابط خود بروز داده‌اند که در طیفی از تنازع تا تعامل، همکاری و رقابت قابل بررسی است. در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدام یک از الگوهای رفتاری تنازع یا تعامل غالب بوده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط ایران و عربستان سعودی متأثر از وجود تفاوت‌های بنیادین و ساختاری داخلی و خارجی، بسترهای ژئوپلیتیکی متعارض و واگرایی‌های است که در دوره‌های مختلف الگوی تنازع و تعامل را ایجاد کرده است، ولی با توجه به وجود عوامل همگرا و ضرورت‌های داخلی و خارجی این دو کشور در دوره‌های تاریخی مختلف، الگوی رفتاری تعامل و همکاری برای کاهش تنش‌ها نیز ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها:

ایران، تعامل،
ژئوپلیتیک، عربستان
سعودی، الگوهای
رفتاری، مناظره.

* نویسنده مسئول:

هوشمند زارعی دارامودی

نشانی: دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

پست الکترونیک:

zareihoshmand@mail.sbu.ac.ir

استناد به این مقاله:

زارعی دارامودی، هوشمند، محمدی، حمیدرضا، عزیززاده طسوج، محسن تحلیل ژئوپلیتیک الگوهای رفتاری مبتنی بر تنازع و تعامل در روابط ایران و عربستان سعودی. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۴)، (۲)، ۱۰۶-۸۳

۱. مقدمه

روابط تعاملات خارجی کشورها با یکدیگر در جنوب غرب آسیا تحت تأثیر اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه و سیر تحولات مختلف در آن قرار دارد. ایران و عربستان سعودی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ظرفیت‌ها، ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین‌کننده در منطقه محسوب می‌شوند که رقابت شدیدی بین این دو کشور برای افزایش نفوذ و موقعیت اول شدن در منطقه وجود دارد. عوامل مختلفی سبب رقابت مداوم در روابط تاریخی این دو کشور شده است. همین موضوع سبب شده است همواره روابطی همراه با فرازونشیب‌های بسیار در تاریخ مناسبات خود داشته باشند. این روابط با وقوع انقلاب اسلامی ایران وارد مرحله نوینی شده و حالت متخاصمانه‌تری گرفته است. گرچه در برخی از دوره‌های زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گسترش روابط و تنش‌زدایی در سطوح بالا به وقوع پیوسته است، اما همواره مناسبات ژئوپلیتیکی بر مبنای رقابت، خصومت و تنش نیز در روابط دو کشور جریان داشته است. با این حال، روابط دو کشور در طول دهه‌های گذشته همیشه در نوسان بوده است؛ به طوری که در برخی دوره‌های تاریخی، روابط و رقابت آن‌ها همراه با خصومت و قطع رابطه بوده و در دوره‌های دیگر رابطه و رقابت آن‌ها هرچند با سوءظن همراه با تعامل بوده است. با توجه به تحولات سال‌های اخیر در منطقه شاهد رقابت‌های جدی‌تر همراه با دشمنی ایران و عربستان بودیم. به طوری که تقابل این دو کشور به بالاترین سطح خود در تاریخ روابط دو کشور رسیده است؛ تقابلی که گستردگی و ابعاد آن به مراتب فراتر رفته است از اقدامات عربستان در دوران دفاع مقدس و حتی واقعه خونین کشتار حجاج ایران در سال ۱۹۸۷ که سه سال قطع رابطه این دو کشور را در پی داشت (Tebayin Strategic Think Tank, 2015, 2).

دلایل اصلی افزایش رقابت همراه با دشمنی دو کشور در یک دهه گذشته در تحولات منطقه است که سبب گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران شده است که با واکنش و اقداماتی از سوی عربستان سعودی برای کاهش نفوذ ایران همراه بوده و روابط دو کشور را با کنش و واکنش مستمر همراه کرده است. اوج دشمنی و درگیری در روابط دو کشور در چند سال اخیر دیده می‌شود. در حالی که روابط به اوج دشمنی رسیده و حتی در بعضی مناطق زیرنفوذ دو کشور جنگ‌های نیابتی نیز اتفاق افتاده است و هزینه‌های سنگینی را در این رقابت خصومت‌بار دو کشور متحمل شده‌اند و در تاریخ روابط دو کشور، تغییرات منظم بین تنش و نزدیکی اتفاق افتاده است، شواهد نشان می‌دهد دو کشور به دنبال مدیریت مناقشات، گفت‌وگوهای خود و بهبود روند صلح هستند و

به‌سوی تعامل در اوج رقابت پیش می‌روند. همچنین به‌سبب همسایگی و وجود عوامل واگرا و همگرایی مؤثری در سیاست‌های داخلی و خارجی خود، الگوهای رفتاری ویژه‌ای را در دوره‌های مختلف تاریخی روابط خود بروز داده‌اند که در طیفی از تنازع تا تعامل، همکاری و رقابت قابل بررسی است. در این پژوهش کوشیدیم به این پرسش پاسخ دهیم که در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی کدام یک طیف الگوی رفتاری تنازع یا تعامل غالب بوده است؟ این پژوهش توصیفی تحلیلی است و ماهیت بنیادی دارد. ابزار گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش تحلیل کیفی استفاده کرده‌ایم. نتیجه‌گیری نهایی این پژوهش نیز به کمک روش کیفی انجام شده است.

۲. پیشینه پژوهش

عنایت‌الله یزدانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی الگوهای رفتاری عربستان سعودی نسبت به نقش‌یابی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس» این نتیجه را بیان می‌کند که رفتاری عربستان سعودی در برابر نقش‌یابی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس به گرفتن تصمیم‌های انطباقی با محیط بین‌المللی و وابستگی به گرفتن حمایت از قدرت مداخله‌گر منجر شده است. او در نتیجه‌گیری روابط امنیتی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی اجتماعی ایران و عربستان سعودی را به‌شدت متأثر از سیاست خارجی دو کشور و دخالت‌های قدرت مداخله‌گر می‌داند. به‌نظر می‌رسد که از سال ۱۹۷۹ تاکنون دو کشور از مرحله اعتمادسازی خارج نشده و تفاهم مشترکی بین آن‌ها در قبال مسائل حساس منطقه خاورمیانه به وجود نیامده است. خلیج فارس از مناطقی است که همواره با نشانه‌هایی از منازعه، ستیز و جنگ‌های منطقه‌ای روبه‌رو بوده است. در نتیجه، ائتلاف‌ها به‌سرعت رنگ می‌بازند و هر بازیگری تلاش می‌کند تا دیگری را با ابزارهای منازعه‌آمیز کنترل کند.

نعمت صالح منفرد در مقاله «بررسی الگوی رقابت ایران و عربستان برای نفوذ در جهان اسلام» به این نتیجه می‌رسد، رابطه و رقابت ایران و عربستان بیشتر در قالب ایده‌های واقع‌گرایی توجیه‌پذیر است. از آنجایی که هر دو کشور به‌عنوان قدرت منطقه‌ای، به‌دنبال افزایش قدرت و نفوذ در کشورهای اسلامی هستند، در زمینه‌های مختلف رقابت‌هایی بین این دو شکل گرفته است. ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای، دورقیب جدی برای هم هستند که گاه آشکار و گاه به‌صورت پنهانی در حال رقابت به سر می‌برند. این دو کشور با سیاست‌های

متفاوت با یکدیگر رقابت ایدئولوژیک دارند. بر این اساس ایران با ایدئولوژی تشیع و عربستان با ایدئولوژی وهابیت در جهان اسلام حضور و داعیه رهبری جهان اسلام را دارند. او در آخر به این نتیجه می‌رسد که بیشترین رقابت و تعارض ایران و عربستان دو ایدئولوژی تشیع و وهابیت است که نگرشی متفاوتی به جهان و الگوی حاکم بر روابط بین‌المللی و منطقه‌ای دارند. با توجه به بررسی مقالات و طرح‌ها در این حوزه، این مقاله می‌تواند دیدگاه و الگو جدیدی در روابط دو کشور باشد.

۳. مفاهیم نظری

۳-۱. الگوهای رفتاری در ژئوپلیتیک

الگوهای رفتاری، پدیده‌ها، شیوه‌ها و رویکردهایی هستند که نتیجه ترکیب سه عنصر اصلی جغرافیا، سیاست و قدرت هستند و بازیگران مختلف سیاسی بر پایه اصول چندگانه جغرافیا، قدرت و ادراک از منافع نسبت به یکدیگر به کار می‌گیرند. این الگوها را نخست بازیگران مختلف مانند دولت‌ها، رهبران سیاسی، احزاب، نهادهای مدنی، سازمان‌های غیردولتی، نهادها و مؤسسات اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای، رهبران و نهادهای دینی نسبت به یکدیگر اعم از دوست یا دشمن، رقیب یا همکار می‌گیرند. دوم سطوح جغرافیایی یا قلمروهای فضایی این الگوها شامل سطوح محلی، فروملی، ملی و کشوری، منطقه‌ای و جهانی هستند. به بیانی، هم در بعد بازیگر و هم در بعد ماهیت رفتار می‌توان آن‌ها را در مقیاس‌های مختلف فضایی دید. سوم، این الگوهای رفتاری ماهیت ژئوپلیتیکی داشته و نتیجه ترکیب عناصر و مؤلفه‌های جغرافیا، قدرت و سیاست هستند. به بیانی، همان عناصری که پایه ژئوپلیتیک را به‌عنوان یک دانش ترکیبی تشکیل می‌دهند. بنابراین این الگوهای رفتاری را می‌توان محل تلاقی عناصر پایه ژئوپلیتیک دانست که از ماهیت ترکیبی برخوردارند. الگوهای رفتاری این‌ها هستند: امنیت، تهدید، جنگ و منازعه، روابط ژئوپلیتیکی (Hafiz Nia, 2016: 451).

۳-۲. روابط ژئوپلیتیک

روابط ژئوپلیتیک بین بازیگران به شکل سلطه و استیلا، تحت سلطه، تعامل و تعادل، نفوذ و رقابت شکل می‌گیرد. رابطه تعاملی عبارت است از ارتباطات گوناگون و متقابل بین بازیگران بین‌المللی (Nel & McGowan, 1999, 321) یا رابطه مبتنی بر برابری قدرت. در این نوع رابطه، دو طرف از سطح به نسبت برابر قدرت وزن ژئوپلیتیک برخوردارند. چنین ارتباطی ویژگی

اقدام متقابل و محتاطانه دارد. دولت‌ها و بازیگران در چارچوب این‌گونه روابط تعادلی ضمن اینکه نگرش احترام‌آمیز نسبت به یکدیگر دارند، همواره به چشم رقیب به یکدیگر نگریسته و در پرتو ادراک منافع ملی خود و نیز منافع متعارض منطقه‌ای یا جهانی، با یکدیگر محتاطانه برخورد می‌کنند و معمولاً نسبت به اهداف یکدیگر بدگمان‌اند (Hafiz Nia, 2010, 363)؛ این روابط این‌ها هستند رابطه سلطه، رابطه نفوذ و رابطه رقابتی.

۳-۳. منازعه

منازعه کنش متقابل انسان‌ها با یکدیگر است. منازعه با رقابت محض یکسان نیست. انسان‌ها ممکن است به دلیل دستیابی به عنصر کمیاب با یکدیگر رقابت کنند، بدون آنکه کاملاً از وجود رقبای خود آگاه باشند یا بخواهند از دستیابی آن‌ها به اهدافشان جلوگیری کنند. رقابت، هنگامی به منازعه تبدیل می‌شود که دو طرف بکوشند موقعیت خود را تنزل دهند و موقعیت دیگری را تقویت کنند، مانع از دستیابی دیگران به اهدافشان شوند و رقبای خویش را «از دور خارج» یا حتی نابود کنند. منازعه بسته به شرایط مختلف می‌تواند خشونت‌آمیز یا غیرخشونت‌آمیز، آشکار یا پنهان، کنترل‌پذیر یا کنترل‌ناپذیر و حل‌شدنی یا حل‌نشدنی باشد (Jaafari Voldani, 2014: 43).



نقشه ۱: موقعیت ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا
Source: Author

۴. ابعاد تعارض و تعامل بین ایران و عربستان سعودی

۴-۱. بعد اقتصادی

بعد اقتصادی در روابط ایران و عربستان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا دو کشور از منابع انرژی زیادی برخوردارند و بازده منفی یا مثبت این منابع آن‌ها را به کانون توجه کشورهای کوچک و بزرگ تبدیل کرده است (Saleh Mohammad, 2017). انرژی به‌ویژه نفت خام عامل مهم و اساسی است که اهمیت راهبردی عربستان را آشکار می‌کند. مهم‌ترین مؤلفه آن وجود چندین درصد از کل نفت خام و ۴،۵ درصد از گاز جهان را به خود اختصاص داده است. ذخیره و تولید نفت خام عربستان به‌شکلی است که توانسته با تولید روزانه در حدود ۱۱،۵ میلیون بشکه، بازار جهانی نفت را در اختیار بگیرد (BP, 2015: 6) این قدرت تولید، در سطح منطقه‌ای و جهانی به سعودی‌ها امکان داده است در قیمت‌گذاری نفت و به‌طورکلی تولید، توزیع و مصرف آن، نقش ویژه‌ای داشته باشند. در مقابل، منابع بسیار نفت‌وگاز ایران نیز رقیب عمده‌ای برای تسلط اقتصادی عربستان در بازار انرژی به‌شمار می‌رود. همین موضوع سبب رقابت همراه با واکنش‌های گسترده بین این دو کشور در سطح بازار انرژی شده است.

۴-۲. بعد ایدئولوژیک

انقلاب ایران از چند جهت برای سعودی‌ها نگران‌کننده بود: ۱. انقلاب ایران به سرنگونی و مشروعیت‌زدایی از یک حکومت پادشاهی منجر شد و این می‌توانست الگویی باشد که درباره حکومت پادشاهی سعودی هم پیاده شوند؛ ۲. جهت‌گیری انقلاب ایران با عنوان «صدور انقلاب» همه دنیای اسلام اعم از شیعه و سنی را نشانه گرفته بود و این از سوی سعودی‌ها احساس خطر به‌دنبال داشت؛ ۳. این تصور به‌وجود آمده بود که از این پس ایران شیعی باید رهبری کل دنیای اسلام را برعهده گیرد و جهان اهل سنت هم باید از تشیع اطاعت کند. این برداشت برای عربستان که خود را رهبر دنیای اسلام سنی می‌دانست بسیار سخت می‌نمود؛ ۴. حتی اگر دامنه انقلاب اسلامی ایران را محدود به اهل تشیع بدانیم این انقلاب به بیداری شیعیان در کشورهای مختلف و حتی در خود عربستان منجر خواهد شد که به‌شکلی موقعیت عربستان را دچار چالش خواهد کرد (Abdo, 2015: 1)؛ ۵. چون عربستان محل ورود آمریکا به منطقه است و انقلاب ایران انقلابی ضدآمریکای است (Shafi'i and

125: 2015) Ghanbari) سبب تعارض در سیاست خارجی دو کشور شد و عامل خارجی را در روابط دو کشور دخیل کرد. مجموعه این عوامل همیشه همراه با اقداماتی از سوی هر دو کشور در مقابل یکدیگر شده است که سبب بی‌اعتمادی و تیرگی روابط بین ایران و عربستان سعودی نیز شده است.

۳-۴. بعد نظامی و امنیتی

عربستان سعودی و ایران به‌عنوان دو کشور مهم منطقه‌ای برای تقویت قدرت و پرکردن شکاف‌های ناشی از تغییر در عدم تعادل در منطقه، راهبرد جامعی را برای حفظ اعتبار و اهرم منطقه‌ای به‌کار برده‌اند که بعد نظامی به‌دلیل اهمیت آن در دستیابی به تعادل مطلوب بین آن‌ها، اولویت بالایی در برنامه‌ریزی راهبردی دو کشور دارد، زیرا این امر دلالت بر محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و موضوعاتی را نشان می‌دهد که ناشی از تعامل دائمی بین مؤلفه‌ها و اجزای آن است (Allal Zair, 2013: 113). پس از حمله عراق به کویت، عربستان سعودی تمایل بیشتری برای پذیرش ایده سهم غربی‌ها در امنیت خلیج فارس پیدا کرد. به این ترتیب، عربستان سیاستی را دنبال کرد که در دوره‌ای بین جایگزینی رد حضور خارجی یا اتحاد امنیتی با قدرت‌های بزرگ قرار گرفته بود که همکاری‌های امنیتی نظامی با ایالات متحده را در قالب تمرین‌ها و رزمایش‌های مشترک نظامی تشدید کرده و برخی امکانات را در فرودگاه‌های ارتش سعودی به آمریکا ارائه داد و در عمل با حضور نظامی آمریکا موافقت کرد (Saleh Mohammad, 2017).

پس از فروپاشی عراق و اشغال آن، رقابت بین عربستان سعودی و ایران برای نفوذ در منطقه افزایش پیدا کرد و سبب شد هرکدام راهبردی را برای تقویت موقعیت خود در منطقه ایجاد کنند (Abdul Hai, 2010: 284). توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ که سبب تقویت اقتصادی ایران و افزایش نفوذ آن در منطقه شد و همچنین موج ناآرامی‌ها و انقلاب‌های مردمی در منطقه که موجب سقوط برخی از متحدان منطقه‌ای عربستان در مصر و یمن شد سبب ترس سعودی‌ها از کاهش نفوذ خود در برابر ایران شدند. به همین دلیل، تصمیم به درگیری با ایران در رقابت تسلیحاتی گرفتند و به تقویت نظامی خود در منطقه پرداختند و بزرگ‌ترین مخارج نظامی را در کل منطقه به خود اختصاص دادند.

۶. تحولات تأثیرگذار منطقه‌ای بر روی روابط ایران و عربستان سعودی در قرن بیست‌ویکم (۲۰۰۱ - ۲۰۱۸)

وضعیت جنوب غرب آسیا در قرن بیست‌ویکم با تغییر و تحولات مختلفی همراه بوده است که بر روی روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی نیز تأثیر فراوانی گذاشت است. به طوری که بعد از حادثه یازده سپتامبر و حمله ایالات متحده به عراق حوادث و اتفاقات بعد از آن که در ادامه به آن می‌پردازیم سبب شد روابط ایران و عربستان بعد از یک دوره تعامل در روابط دو کشور دوباره وارد فاز تعارض شود و این تعارض آن‌ها را به اوج رقابت و تنش در تاریخ روابط دو کشور در سال‌های اخیر برساند. بعد از یازده سپتامبر و حمله آمریکا به عراق با وجود نگرانی عربستان از برنامه هسته‌ای ایران، روابط دو کشور تا زمان روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد همچنان مثبت ماند. اما بعد از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد روابط دو کشور تحت تأثیر رویدادهای منطقه‌ای و انتقادهای تند او علیه حاکمان عرب و تحریک مردم منطقه برای شورش علیه آن‌ها وارد تعارض شد. همین سیاست سبب شد در سال ۲۰۰۹ به دنبال اختلاف مقام‌های عربستان و ایران درباره رفتار با زائران، ایران فرستادن زائر برای عمره را متوقف کند. در سیاست خارجی نیز با توجه به نگرانی عربستان از نفوذ ایران در منطقه بعد از سقوط صدام و روی کار آمدن شیعیان در این کشور و همچنین پیروزی حزب الله لبنان و حماس در برابر اسرائیل که با حمایت‌های ایران از این گروه‌ها انجام شد در رویدادهای منطقه‌ای کاملاً ضد یکدیگر عمل کردند. این تعارض‌ها در سیاست خارجی در سال ۲۰۰۸ تا آنجای پیش رفت که ملک عبدالله پادشاه وقت عربستان سعودی به دلیل ترس از افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی ایران و نفوذ آن در منطقه از آمریکا می‌خواهد به ایران حمله کند تا «سرافعی را قطع کند».^۱

ز دیگر حوادث تأثیرگذار در تنش روابط دو کشور از سال ۲۰۱۰ به بعد که با واکنش عربستان در برابر ایران همراه بود حمایت ایران از اعتراضات مردم علیه آل خلیفه در بحرین، حمایت ایران از انقلاب مصر و سقوط دیکتاتوری حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱، حمایت ایران از نوری المالکی، نخست‌وزیر شیعی عراق، حمایت مالی نظامی از بشار اسد، رئیس جمهور سوریه در مقابل داعش و جبهه النصره بود. حوادث تنش آفرین دیگری نیز وجود دارد مانند اتهام طرح ترور سفیر عربستان در آمریکا به ایران، اعدام چندین ایرانی در عربستان سعودی به اتهام حمل مواد مخدر، افزایش میزان تولید نفت در مخالفت با سیاست‌های اوپک توسط عربستان در

سال ۲۰۱۴ و کاهش قیمت نفت از ۱۱۰ دلار به ۳۰ دلار، حمله عربستان به یمن و حمایت ایران از انصارالله یمن در سال ۲۰۱۴، تعرض به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده توسط مأموران فرودگاه در عربستان در سال ۲۰۱۵. با این حال پنج رویداد بزرگ از ابتدای قرن بیست و یکم تا به امروز، منطقه را با تغییر تحولات ژئوپلیتیکی بسیار زیادی مواجه کرده است و معادلات و دورنمای ژئوپلیتیک این منطقه را به کلی تغییر داده و بر روی روابط بین کشورهای منطقه به ویژه روابط ایران و عربستان اثرات مهمی گذاشته است. در ادامه این پنج رویداد را بیان می‌کنیم:

الف) حوادث ۱۱ سپتامبر

حوادث ۱۱ سپتامبر منشأ تحولات جدیدی در کل جهان شد و چرخشگاه مهمی در تحولات منطقه جنوب غرب آسیا محسوب می‌شود. به طوری که بعد از این رویداد، راهبرد امنیت ملی ایالات متحده بر سه محور استوار شد که این راهبرد امنیتی را محافظه‌کاران آمریکا مطابق با آرمان‌های خود طراحی کردند (Bashiri, 2005: 1). در بعد منطقه‌ای نیز بیشترین تأثیرات با حمله سریع پر قدرت ایالات متحده بر جنوب غرب آسیا (خاورمیانه) به ویژه منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس بود و توانایی و اراده سیاسی نومحافظه‌کاران این کشور را اهداف قاطع و ژئوپلیتیک در سطح جهانی ممکن ساخت (Hafez Nia, Romina: 2004). تهاجم ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا به عراق و افغانستان بعد از یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۳ سبب نظمی نوین در منطقه و گشایشی برای ایران در پیشبرد قرارگرفتن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ب) حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام

سقوط صدام و دولت بعثی عراق در سال ۲۰۰۳، فرصتی برای نیروهای شیعی فراهم کرد تا با درگیر شدن در مسائل مختلف در حوزه سیاسی و اجتماعی و حکومتی عراق، نقش خود را در آینده عراق تثبیت کنند. با این اتفاق، شیعیانی که در گذشته این کشور همیشه توسط عثمانی‌ها، بریتانیای‌ها و سپس توسط دیکتاتوری حاکم در عراق سرکوب شده بودند، به نیروی سیاسی جدید و قدرتمندی تبدیل شدند. ظهور چشمگیر شیعیان عراق در عرصه اجتماعی و سیاسی و تبدیل شدن آنان از قربانیان خشونت و سرکوب، به نیرویی که می‌تواند قدرت در یکی از کشورهای راهبردی منطقه را در دست بگیرد، توازن قدرت را در منطقه‌ای که معمولاً زیر سلطه سنی‌هاست، به نفع نیروهای شیعی درهم ریخت (Nadri, 2013: 132). این اتفاق

سبب افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس شد. قدرت یابی شیعیان در عراق و در ادامه ارتقای جایگاه شیعیان در لبنان به تثبیت عنصر شیعی در سیاست منطقه‌ای و پیوند میان مسائل حوزه خلیج فارس و حوزه مدیترانه و در نتیجه، تقویت نقش اثرگذاری ایران در منطقه انجامید. همچنین به جنگ سرد جدید میان ایران و عربستان و گذر دو کشور از مرحله رقابت به تضاد و تقابل ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی منجر شد.

ج) بهار عربی یا بیداری اسلامی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین رویدادهای سال‌های آغازین هزاره جدید، اعتراضات گسترده مردمی در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا بود که از اواخر سال ۲۰۱۰ شروع شد و به شکل‌گیری سه نوع برداشت در مورد آن منجر شد: نخست، برداشتی که از این تحولات با نام «بهار عربی» یاد می‌کرد و آن را در استمرار امواج لیبرال دموکراسی غرب می‌دانست. بیشتر مقامات و نخبگان غربی چنین باوری داشتند؛ دوم، برداشتی که از این تحولات با نام «بیداری اسلامی» یاد می‌کرد و بیشتر در بین نخبگان سیاسی و اجتماعی جهان اسلام نمود پیدا کرد. سومین تفسیر از این تحولات متعلق به گروهی از متفکران در دنیای غرب و اسلام بود که با نگرشی پیامدگرا این تحولات را جنبشی دوره‌ای و گذرا می‌دانستند که مانند بسیاری دیگر از جنبش‌ها و قیام‌ها در کشورهای اسلامی به نتیجه خاصی از نظر غلبه اسلام‌گرایی با دموکراسی منتهی نخواهد شد، اما صرف‌نظر از این مسئله آشکار است که این تحولات در گستره ژئوپلیتیک خاورمیانه بسیار بدیع بوده است (Sadeghi I and Eshraty, 2014:50 & Saedi, 2015: 91).

در برخی از این کشورها اعتراضاتی شد که به نتیجه رسید و در برخی دیگر به دلیل انسجام‌نداشتن اعتراضات مردمی و اقدام به موقع حکومت، این تحولات و اعتراضات نتوانست سبب دگرگونی در حکومت شود مانند عربستان، اردن. برخی حکومت‌ها هم هنوز با این تحولات و اعتراضات درگیرند. دلیل طولانی شدن آن را می‌توان در دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در کشور مورد نظر و توازن قوا در آن دانست و تا موقعی که این توازن قوا در بحران این کشورها وجود داشته باشد این بحران‌ها در این کشورها ادامه خواهد داشت مانند یمن، سوریه، بحرین (Yazdanfam, 2010: 48). آنچه در این دوره سبب بحرانی‌تر شدن و رقابت خصومت‌آمیز بین روابط ایران و عربستان شد، سقوط متحدان عربستان در مصر و یمن و درگیری

در بحرین بود. تحولات در کشورهای اسلامی از تونس تا مصر، از یمن تا سوریه، کشورهای منطقه به‌ویژه ایران و عربستان را در مواضع متفاوت قرار داد. مواضعی که پنهان کردن آن پشت پرده ممکن نبود و باید برای به نتیجه رسیدن آشکار می‌شد. برای نمونه، در مصر، ایران و عربستان کاملاً دو موضع متفاوت را در پیش گرفتند. سیاست ایران و عربستان بر سر بحرین بیش از دیگر موضوعات بحرانی شد. ایران از تظاهرات مسالمت‌آمیز و راهکار سیاسی در بحرین حمایت و دو طرف را به خویشتن‌داری دعوت کرد. در مقابل، عربستان این سیاست را مداخله در امور کشورهای عربی تفسیر می‌کرد (Rabi'i, 2014).

د) برجام

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به دنبال توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ شامل چین، فرانسه، روسیه، انگلیس، ایالات متحده آمریکا و آلمان منعقد شد. با به سرانجام رسیدن این مذاکرات چندین ساله هسته‌ای روابط ایران و عربستان وارد مرحله تازه‌ای شد. به طوری که این توافق سبب ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران و بازتر شدن دست ایران در معادلات سیاسی و حمایت بهتر از سوریه، عراق و یمن شد. همین موضوع سبب شد عربستان به عنوان داعیه‌دار رهبری جهان عرب و اسلام زیان کند و جایگاه خود را در خطر ببیند، زیرا پیش از آن در شرایط تحریم و انزوای بین‌المللی ایران، این کشور به دنبال تحمیل و تثبیت هژمونی خود بر منطقه بود (Salehi, Faramarz Menesh, 2015: 66) و اقداماتی برای ضربه زدن به ایران انجام داد که مهم‌ترین آن افزایش تولید نفت برای کاهش قیمت نفت و ضربه به اقتصاد ایران بود. همچنین در ژانویه ۲۰۱۶ عربستان شیخ نمر را اعدام کرد که این مسئله سبب اعتراض عده‌ای در ایران و حمله به سفارتخانه عربستان شد که به موجب این اقدام عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد. بعد از قطع رابطه رفتار دو کشور با اقدامات اختلاف‌آفرین فراوانی همراه بود که برخی تحلیلگران این اقدامات را مقدمه ایجاد اختلاف شدید و احتمال جنگی همه‌جانبه دانستند. به طوری که وزیر خارجه آلمان در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها اعلام کرد: «وقتی با سران منطقه صحبت کردم، تازه فهمیدم موضوع جنگ تا چه حد جدی است.»

مهم‌ترین اقدامات بعد از قطع رابطه که با اظهار نظر مقامات دو کشور همراه بود، تهدید ایران توسط بن سلمان، ولیعهد عربستان به کشاندن جنگ و ایجاد ناآرامی در

داخل ایران بود. همین اتفاق هم افتاد در سال ۲۰۱۷ داعش یک عملیات تروریستی در تهران و در مجلس و مرقد بنیان‌گذار جمهوری اسلامی انجام داد و ایران عربستان را مسئول این حادثه دانست. در مقابل نیز با شدت گرفتن درگیری‌ها در یمن، در نوامبر ۲۰۱۷ فرودگاه ملک خالد عربستان مورد حمله موشک و راکدهای حوثی‌های یمن قرار گرفت. حوثی‌ها مورد حمایت ایران هستند. مقامات عربستان این حمله را متوجه ایران دانستند. بعد از این جنگ‌های لفظی مقامات دو کشور، عربستان همه تلاشش را کرد که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از توافق بین‌المللی برجام خارج شود و تحریم‌های بین‌المللی را دوباره برای ایران برگرداند، زیرا بعد از توافق برجام ایران توانسته بود با کاهش تحریم‌ها وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشد و روزانه بیش ۳،۵ میلیون بشکه نفت بفروشد و به اعتقاد عربستان دست به اقدامات تحریک‌کننده‌تری در منطقه بزند و سبب افزایش نفوذ خود و کاهش نفوذ عربستان در منطقه شود. بعد از خروج آمریکا از برجام با تحریک عربستان و اسرائیل در سال ۲۰۱۸ ایران با کاهش فروش و درآمدهای نفتی روبه‌رو شد که سبب شد ایران ضمن تهدید به بستن تنگه هرمز در صورت فروش نرفتن نفت، با تحریک هم‌پیمانان خود در منطقه، اقداماتی برای ناامن کردن منطقه انجام دهد. در مقابل نیز عربستان با کمک آمریکا اقدامات تحریک‌آمیزی در مناطق زیر نفوذ ایران از جمله عراق لبنان انجام داد که سبب استعفای دولت‌های دو کشور شد از جمله این اقدامات: هدف قرار گرفتن نفتکش‌های عربستان و برخی کشورهای دیگر توسط عوامل ناشناس در ۱۲ مه و ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹ در خلیج فارس، حمله به تأسیسات آرامکو که روزانه بیش از پنج میلیون بشکه نفت تولید می‌کند در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ که سبب افزایش حدود ۲۰ درصدی قیمت نفت شد، حمله زمینی و پهپادی از حوثی‌های یمن (که مورد حمایت کامل ایران هستند) در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۹ به نجران در جنوب عربستان که در این حمله سه تیپ ارتش سعودی نابود، صدها نفر کشته و حدود دو هزار نفر به اسارت گرفته شدند و غنائم و تجهیزات زیادی به دست حوثی‌ها افتاد. در مقابل نیز حمله به نفتکش ایرانی سایبی تی با یک میلیون بشکه نفت در ۶۰ مایلی بندر جدّه عربستان در ۱۱ اکتبر (۱۹ مهر ۹۸) ۲۰۱۹، حمله چندین باره و آتش زدن سفارت ایران در عراق، تحریک مردم عراق و لبنان اعتراض نسبت به اقدامات و دخالت‌های ایران در این کشورها توسط آمریکا و عربستان و کشورهای دیگر. هرچند هر دو کشور دخالت در این اقدامات را رد

کرده‌اند، بنا به سخنان همه کارشناسان این دو کشور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر روی این اقدامات اثرگذار بوده‌اند. در مجموع مسلم است که ایران از زمان خروج آمریکا از برجام و عربستان از زمان هدف قرارگرفتن پهپاد آمریکای توسط ایران الفاظ تهدیدآمیز مقامات آن‌ها نسبت به یکدیگر کاهش پیدا کرده است.

جدول ۱. سیر زمانی وقایع تأثیرگذار در روابط بین ایران و عربستان سعودی

شروع و پایان روابط دو کشور در دوره‌های مختلف	سال	حوادث تأثیرگذار
آغاز روابط	۱۹۲۹	آغاز روابط سیاسی
روابط مسالمت‌آمیز	۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷	بستن عهدنامه موذت و روابط به نسبت مسالمت‌آمیز
مرحله اول	۱۹۳۷ تا ۱۹۴۳	دوران افول (تزلزل) روابط - تعطیل کردن سفارت ایران در حجاز و نجد و کاهش سطح روابط دیپلماتیک - ممنوعیت حج به دلیل بی‌احترامی سعودی‌ها به زائران ایرانی
	۱۹۴۳ تا ۱۹۴۸	قطع روابط سیاسی به دلیل اعدام زائر ایرانی توسط سعودی‌ها
آغاز روابط	۱۹۴۸	آغاز دوباره روابط سیاسی، ارسال نامه عبدالعزیز (پادشاه سعودی) مبنی بر برقراری ارتباط
روابط مسالمت‌آمیز	۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹	روابط مسالمت‌آمیز با کمترین تنش در روابط به جز دو مورد مناقشه یکی مناقشه بر سرنام خلیج فارس و دیگری مسئله بحرین که در هر دو مورد فقط در حد یک بیانیه مناقشه به پایان رسید.
آغاز تنش در روابط با انقلاب اسلامی در ایران و راهبرد صدور انقلاب در منطقه از طرف ایران	۱۹۷۹	
همکاری عربستان با آمریکا در واقعه طیس	۱۹۸۰	
حمایت مالی و سیاسی عربستان از صدام حسین در جنگ با ایران	۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸	
مرحله دوم	۱۹۸۱	تشکیل شورای همکاری خلیج فارس توسط عربستان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای واکنش امنیتی در مقابل انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق
	۱۹۸۴	جنگ نفت‌کش‌ها، حمله عربستان به جنگنده ایرانی در خلیج فارس و بعد از آن ایران نیز به یک نفتکش سعودی در نزدیکی سواحل قطر حمله کرد.
	۱۹۸۷	در مراسم برانت از مشرکین در ۳۱ جولای ۱۹۸۷ حاجیان ایرانی شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل سر می‌دهند که با حمله و تیراندازی پلیس عربستان ۴۰۲ نفر کشته می‌شوند که ۲۷۵ نفر از آن‌ها ایرانی بودند. پس از این واقعه عده‌ای از مردم خشمگین تهران، سفارت عربستان را اشغال و سفارت کویت را به آتش کشیدند و سفیر عربستان «مصعد الغمدی» زخمی و در راه بیمارستان فوت می‌کند.
قطع روابط سیاسی	آوریل ۱۹۸۸	قطع یک جانبه روابط سیاسی عربستان با ایران

شروع و پایان روابط دو کشور در دوره‌های مختلف	سال	حوادث تأثیرگذار
کاهش تنش در روابط	۱۹۹۰	حمله عراق به کویت و اعلام بی‌طرفی ایران در این جنگ
آغاز روابط	۱۹۹۰	بازگشایی سفارتخانه‌های ایران و عربستان
روابط مسالمت‌آمیز	۲۰۰۵ تا ۱۹۹۱	روابط مسالمت‌آمیز و افزایش بهبود مناسبات در این دوران، مهم‌ترین اتفاق در این دوران امضای قراردادی امنیتی در ۱۸ آوریل ۲۰۰۱ بود.
	۲۰۰۵	انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری ایران و انتقادهای تند او علیه حاکمان عرب و تحریک مردم منطقه برای شورش علیه آن‌ها
	۲۰۰۵	توقف عمره به دلیل برخورد و بدرفتاری با زائران ایرانی
	۲۰۰۶	مواضع متفاوت دو کشور ایران و عربستان در مورد جنگ ۳۳ روزه
	۲۰۱۰	آغاز انقلاب‌های عربی و افزایش تنش در روابط و تضاد در سیاست خارجی دو کشور بعد از این حوادث در مورد کشورهای بحرین، سوریه، مصر و...
دوران افول در روابط همراه با افزایش تنش	۲۰۱۱	حمایت ایران از اعتراض‌ها در بحرین در دوران بهار عربی متهم کردن ایران به تحریک مردم توسط عربستان و فرستادن نیرو به بحرین، متهم کردن سپاه قدس به ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا.
	۲۰۱۲	آغاز اعتراضات دوستانه شرقی شیعه‌نشین عربستان سعودی که بازم عربستان را عامل تحریک این اعتراضات می‌داند. گردن‌زدن ۱۸ ایرانی به جرم مواد مخدر توسط عربستان
مرحله سوم	۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵	در سال ۲۰۱۴ نیروهای شیعه انصارالله (حوثی) با تسلط بر بخش‌های از یمن، اداره کشور را در دست گرفتند که با دخالت نظامی عربستان در مارس ۲۰۱۵ رویه‌رو شد، دستگیری روحانی شیعه شبح نمر التمر، تعرض به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جدّه، سپتامبر ۲۰۱۵ کشته‌شدن حدود ۴۰۰ نفر ایرانی در زمان انجام مناسک حج، مخالفت عربستان با توافق برجام، عربستان با افزایش میزبان تولید نفت و در مخالفت با سیاست‌های اوپک به کاهش قیمت از بشکه‌های ۱۱۰ دلار به بشکه‌های ۳۰ دلار در ژانویه ۲۰۱۶ شد.
	۲۰۱۶	قطع روابط سیاسی - در ژانویه ۲۰۱۶ عربستان شیخ نمر را اعدام کرد که این مسئله سبب اعتراض عده‌ای در ایران و حمله سفارتخانه عربستان در تهران کردند و آن را آتش‌زدند که به موجب این اقدام عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد.
	۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸	اوج تنش در روابط ایران و عربستان، درگیری دو کشور در جبهه‌های مختلف با گروه‌های نیابتی خود در یمن، سوریه، عراق، افزایش جنگ لفظی بین مقامات دو کشور
	مه ۲۰۱۷	با انتخاب پسر پادشاه عربستان «محمد بن سلمان» (که مسئولیت جنگ و کشتار یمن را نیز بر عهده داشت و از ضرورت کشیدن جنگ به داخل ایران سخن گفته بود) با انتخاب او جنگ لفظی بین دو کشور و شرایط سیاسی بدتر می‌شود.
	مه ۲۰۱۷	عملیات تروریستی در مجلس و مرقد امام خمینی در تهران که ایران عربستان را مسئول این واقعه خواند.
قطع روابط سیاسی	۲۰۱۷	سقوط داعش - شدت گرفتن درگیری‌ها در یمن و شروع حملات محدود حوثی‌های مورد حمایت ایران به داخل عربستان و هدف قراردادن مراکز حیاتی
	۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹	خروج آمریکا از برجام در مه ۲۰۱۸ با تحریک عربستان که سبب تضعیف اقتصاد ایران و افزایش تنش در روابط و درگیری‌های محدود در خلیج فارس شد مانند هدف قرار گرفتن چندین کشتی تجاری و نفتکش از سوی منبعی نامشخص، خرابکاری در ۴ کشتی در فجیره امارات، انفجار دو نفتکش در دریای عمان، حمله به تأسیسات نفتی آرامکوی عربستان توسط حوثی‌های مورد حمایت ایران، حمله به نفتکش ایرانی در دریای سرخ، افزایش اعتراض‌ها در عراق و لبنان و استعفای دولت‌های آن‌ها بر اثر زیر فشار قرار گرفتن از سوی معترضان که از طرف عربستان و آمریکا تحریک شده بودند، آتش‌زدن سفارت ایران در عراق توسط معترضان عراقی در بغداد، حملات هوایی به پایگاه‌های آمریکایی در عراق توسط گروه‌های وابسته به ایران و...

شروع و پایان روابط دو کشور در دوره‌های مختلف	سال	حوادث تأثیرگذار
	ژوئن ۲۰۱۹	حمله به پهپاد آمریکای توسط ایران، کاهش تنش لفظی در اظهار نظر مقامات دو کشور، کاهش چشمگیر تعداد نیروهای اماراتی در جنوب یمن، سفر هیئت صلح امارات به ایران
	سپتامبر ۲۰۱۹	پیشنهاد صلح هرمز به کشورهای حوزه خلیج فارس از طرف حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در سازمان ملل
مرحله چهارم	ژانویه ۲۰۲۰	کاهش تنش در روابط
	۲۰۲۱	از سرگیری روابط دیپلماتیک، مذاکرات ایران و عربستان که در عراق که بنا به سخن نخست‌وزیر عراق، شهید سلیمانی حامل پیام ایران در مورد روابط با عربستان بوده است، اعلام بی‌طرفی و خویش‌نواز عربستان در واقع ترور سردار سلیمانی و حتی درخواست از آمریکا که آن‌ها را وارد جنگ نکند، خروج ایران از برجام، برگزاری مجمع گفت‌وگوی تهران با محوریت طرح صلح هرمز و حضور برخی کشورهای منطقه خلیج فارس و همچنین پیشنهادات وزیر خارجه ایران به کشورهای منطقه برای صلح در خلیج فارس
	۲۰۲۱	از سرگیری روابط دیپلماتیک، مذاکرات ایران و عربستان که در عراق که بنا به سخن نخست‌وزیر عراق، شهید سلیمانی حامل پیام ایران در مورد روابط با عربستان بوده است، اعلام بی‌طرفی و پیچیده است که حل و فصل آن ساده به نظر نمی‌رسد. تبلیغات منفی دو کشور علیه یکدیگر کاهش پیدا کرده است. همچنین در حوزه یمن عملیات‌ها چه از سوی عربستان و چه از سوی انصارالله کاهش یافته است.

Source: Authors



شکل ۲. فراز و فرود تاریخ روابط بین ایران و عربستان سعودی

۷. روابط ایران و عربستان سعودی: منازعه یا تعامل

با نگاهی به تاریخ روابط ایران و عربستان سعودی در می‌یابیم این روابط با اینکه همواره تنش داشته و هرگز مطلوب نبوده است، فراز و فرودهای فراوانی داشته است که به شکل یک منحنی

سینوسی در نمودار ۲ نشان داده شده است. بدین صورت که چرخشگاهی تغییردهنده در موازنه قوا در منطقه، سبب‌ساز آغاز تحرکات منطقه‌ای برای تغییر این موازنه شده است. این امر ابتدا به شکل رقابت و پس از آن وارد فاز تنش و در نهایت از تنش به منازعه تبدیل شده است و پس از آن این کشورها دوره‌ای از تنش‌زدایی و بهبود مناسبات را شاهد بوده‌اند. این رفتار و موج سینوسی در روابط دو کشور، در سه دوره اتفاق افتاده است که دوره اول آن با آغاز روابط دو کشور در سال ۱۹۲۹ با بستن پیمان مودت شروع شد که بعد از یک دوره تنش و منازعه روابط دو کشور به دلیل اعدام یک زائر ایرانی توسط سعودی‌ها به مدت پنج سال از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۸ (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷) قطع شد.

نقطه شروع روابط در دوره دوم را می‌توان قرارگیری دو کشور در بلوک‌بندی جنگ سرد دانست. همین مسئله سبب شد دو کشور حدود سی سال روابط مسالمت‌آمیز با کمترین تنش را داشته باشند که با انقلاب در ایران روابط دو کشور با راهبرد صدور انقلاب از سوی ایران که سبب ناآرامی‌های در برخی کشورهای منطقه هم شد وارد فاز تنش شد. این تنش با واکنش‌هایی از سوی عربستان از جمله همکاری عربستان سعودی با آمریکا در حمله به طبرس، حمایت سیاسی و مالی عربستان از صدام در جنگ با همراه بود. اوج تنش در این دوره که به قطع روابط دو کشور انجامید کشته شدن ۲۷۵ نفر از حجاج ایرانی توسط پلیس عربستان در مراسم برائت از مشرکین در سال ۱۹۸۷ بود که پس از این واقعه عده‌ای از مردم تهران، سفارت عربستان را اشغال و سفارت کویت را به آتش کشیدند و سفیر عربستان زخمی و در راه بیمارستان فوت کرد. حتی در این دوران درگیری‌های نظامی بین ایران و عربستان در خلیج فارس در جنگ نفت‌کش‌ها صورت گرفت. روابط دو کشور بعد از این وقایع به مدت ۳ سال قطع شد.

بعد از آن، دوره روابط دو کشور با وجود اختلافات فراوان در سیاست خارجی با حمله عراق به کویت وارد کاهش تنش شد و مشکلات امنیتی به وجود آمده برای عربستان و مشکلات اقتصادی فراوان ایران بعد از جنگ، زمینه را برای آغاز فاز سوم دوره تنش‌زدایی و تعامل در روابط را فراهم کرد. حدود پانزده سال روابط به نسبت مسالمت‌آمیزی داشتند تا اینکه بعد از حمله ایالات متحده به عراق و سرنگونی صدام حسین، روابط دو کشور برای بار سوم وارد فاز رقابت شدید منطقه‌ای و تنش و منازعات شد. مجموعه اقداماتی مانند انقلاب‌های عربی و برجام و اعدام روحانی مبارز شیعه عربستان (شیخ نمر) به اتهام «محرابه و عدم اطاعت از ولی زمان» در سال ۲۰۱۶ که سبب حمله عده‌ای در ایران به سفارت عربستان و به آتش کشیدن

آن شد سبب قطع شد. بعد از قطع رابطه، رفتار دو کشور نسبت به هم با منازعه و درگیری‌های محدود در خلیج فارس و جنگ‌های نیابتی در کشورهای زیر نفوذ ادامه پیدا کرد تا با هدف قرارگرفتن پهپاد آمریکای توسط ایران شاهد کاهش جنگ لفظی و تنش بین مقامات دو کشور باشیم. همین مسئله سبب شد موج سینوسی نمودار در دوره سوم به پایان برسد.

شواهدی که در ادامه بدان می‌پردازیم نشان می‌دهد موج چهارم روابط دو کشور همانند دوره‌های پیش همه مراحل تعامل، رقابت، تنش و درگیری و قطع رابطه را گذرانده است و در حال شروع این مرحله است و فقط به چرخشگاهی مهم و تأثیرگذار بر روی دو کشور برای شروع روابط نیاز دارند. همچنین شرایط کنونی به وجود آمده در روابط دو کشور در این مرحله را می‌توان با توجه به بررسی مراحل تاریخی روابط دو کشور مقایسه کرد با مرحله دوم رابطه در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ که در جدول سیر تاریخی روابط دو کشور آمده است. به‌ویژه در حوادث و دلایل قطع رابطه و کاهش تنش و بازسازی رابطه در آن دوران بسیار شبیه به یکدیگر هستند. مجموعه عوامل تأثیرگذار در کاهش تنش در روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

در سال‌های گذشته با وجود رقابت شدید میان ایران و عربستان سعودی در منطقه‌های تحت نفوذ خود هر دو از جنگ مستقیم دوری کرده‌اند و بیشتر منازعات و درگیری آن‌ها با نیروهای تحت امر خود به‌صورت نیابتی بوده است و هر دو از این حالت به منافع رسیده‌اند. سهم ایران در این منافع بیشتر از عربستان سعودی بوده است، ولی بعد از خروج آمریکا از برجام اقدامات دو کشور، آن‌ها را به‌سوی جنگ مستقیم سوق داده است که از جمله این اقدامات ناامن‌شدن منطقه با مورد حمله قرارگرفتن چندین کشتی در دریای سرخ و خلیج فارس و همچنین حمله به تأسیسات آرامکو توسط حوثی‌های مورد حمایت ایران بوده است. ادامه این روند برای هر دو کشور به‌ویژه عربستان سعودی زیان‌بار است، زیرا ایران با وجود کاهش فروش نفت و مشکلات اقتصادی فراوان همچنان قدرت انقلابی معتبر در منطقه است و حامیان بسیاری دارد و در صورت جنگ میان ایران و عربستان یا آمریکا امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس که زیر نفوذ عربستان هستند با توجه به سرمایه‌گذاری‌های فراوان این کشورها در مناطق ساحلی خلیج فارس برای عربستان سعودی بیشترین ضربه را نسبت به ایران خواهند خورد. حتی اگر این جنگ محدود هم باشد ضربه‌های آن بیشتر هم خواهد بود. به همین دلیل بعد از سرنگونی پهپاد آمریکای توسط ایران، ترامپ از مقابله به مثل صرف نظر کرد. چند ماه بعد

از آن روزنامه‌ و اشیگتن پست دلیل انصراف آمریکا برای حمله به ایران را مخالفت عربستان دانست. یکی دیگر از دلایل زیان بار بودن جنگ برای عربستان و دوری آن‌ها از جنگ با ایران وجود آب شیرین کن‌های عربستان و امارات در خلیج فارس و دریای سرخ است که در صورت جنگ و ناامنی در منطقه این آب شیرین کن‌ها در تیررس ایران و نیروهای مورد حمایت آن هستند.

این مسائل سبب شده است عربستان سعودی تمایلی به افزایش تنش و درگیری با ایران نداشته باشد. در مقابل نیز ایران هم از جنگ دوری می‌کند، زیرا در صورت بروز جنگ احتمالی هرچند از نظر پشتیبانی افکار عمومی و سطح پاسخ‌دهی نظامی در بهترین شرایط ممکن به سر ببرد، در شرایط وخیم اقتصادی، اگر زیرساخت‌های ایران حتی به صورت محدود هدف قرار گیرد؛ توان بازسازی دوباره آن را در این شرایط اقتصادی ندارد. این تمایل نداشتن دو کشور در شروع جنگ زمانی می‌تواند ایجاد شود که دو کشور در کاهش تنش و درگیری منافی را به دست بیاورند. ایران بعد از خروج آمریکا از برجام با کاهش نفوذ و افزایش مشکلات اقتصادی مواجه بوده است و برای خارج شدن از این بن‌بست منافع خود را در ناامنی برای مسیر رفت و آمد انرژی و زیر فشار قراردادن متحدان آمریکا می‌داند، بنابراین حداقل توان خود را بر روی کشورهای منطقه برای زیر فشار قراردادن آن‌ها به عنوان متحدان آمریکا برای کاهش تحریم‌ها انجام داده است و به صورت مستقیم و غیرمستقیم به دنبال راه حل صلح با آن‌ها یا در صورت نبود صلح ناامنی منطقه‌ای بوده است.

در نتیجه، عربستان بعد از هدف قرار گرفتن پهباد آمریکایی و تأسیسات آرامکو به فکر کاهش تنش افتاده است و این در سخنان مقامات دو کشور و اتفاقات یک سال و نیم گذشته دیده می‌شود از جمله این سخنان و اتفاقات، سخنان وزیر خارجه ایران مبنی بر موافقت دو کشور با تبادل دیدارهای دیپلماتیک به منظور بازدید از سفارتخانه‌های دو طرف که تعطیل شده است و نیز دادن روایت برای تحقق این هدف می‌تواند آغاز عادی سازی روابط و کاهش شدت تنش بین دو طرف باشد. خروج نیروهای اماراتی از مناطقی در یمن بعد از هدف قرار گرفتن پهباد آمریکایی، و سفر هیئت بلند پایه اماراتی به تهران را می‌توان یکی از اتفاقات مهم در کاهش تنش در روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی دانست، زیرا امارات به عنوان یکی از متحدان اصلی عربستان سعودی شناخته می‌شود و در عمل بدون هماهنگی این کشور به ایران نزدیک نشده است. یکی دیگر از اتفاقات مهم در کاهش تنش در روابط دو کشور ناکامی ریاض در یمن است که عاملی کمک کننده به مصالحه در روابط ایران و عربستان سعودی است و اتفاقاً مورد یمن

گام اولیه مناسبی است، چون عربستان در اینجا به بن‌بست رسیده و ایران نیز از همان ابتدا با طرح چهار ماده‌ای به دنبال تحقق راهکار سیاسی بوده است. همچنین در داخل یمن گروه‌های انقلابی به دنبال مصالحه سیاسی هستند. مذاکرات گروه‌های مختلف یمنی در سوند و توافق اولیه به دست آمده برای حل و فصل منازعات توسط خود یمنی‌ها می‌تواند زمینه‌ساز این روند بین ایران و عربستان باشد. بنابراین بر مبنای یک نوع چارچوب سیاسی مبتنی بر تقسیم قدرت، تنش‌زدایی امکان تحقق را در روابط دو کشور دارد و این می‌تواند آغاز تنش‌زدایی بین ایران و عربستان سعودی باشد.

دلایل داخلی برای کاهش تنش وجود دارد که هر دو کشور برای آینده برنامه‌های راهبردی می‌سازند. از سال ۲۰۱۵، عربستان سعودی با مهار وابستگی تاریخی خود به نفت و به چالش کشیدن سازه‌ها و هنجارهای محافظه‌کارانه اجتماعی با کاهش برخی محدودیت‌های گذشته جامعه برنامه بلندپروازانه اقتصادی را برای متنوع‌سازی اقتصاد این کشور آغاز کرده است. اما برای اجرای موفقیت‌آمیز، راهبردها هر دو کشور به جوامع پایدار و اقتصادهای پرجنب و جوش نیاز دارند که در یک مرحله خصمانه نمی‌توان به آن دست یافت. در نتیجه، ادغام و همکاری ضروری و دیپلماسی راه‌حل خواهد بود (Nasirzadeh, Alrefai: 2019). در روابط دو کشور مرحله کاهش تنش شروع شده است. شاید دو کشور منتظر یک اتفاق چرخشگاهی برای برقراری دوباره روابط باشند که این اتفاق می‌تواند جنگ بین ایران و اسرائیل یا آمریکا، بازگشت دوباره آمریکا به برجام و جنگ بین عربستان و یمن باشد.

۸. نتیجه

روابط چندین ساله ایران و عربستان سعودی همواره میان‌الگوی تعامل و منازعه در نوسان بوده است. به طوری که هر زمان حوزه نفوذ یکی از این کشورها در منطقه افزایش یافته است، دیگری در برابر این مسئله واکنش نشان داده و در محدود کردن آن به عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب کوشیده است. در یک دهه گذشته به ویژه بعد افزایش قدرت شیعیان در عراق و لبنان و همچنین افزایش نفوذ ایران بعد از انقلاب‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۱۰، عربستان سعودی با همه ابزارهای خود در برابر آن ایستاد و مانع از یکه‌تازی ایران در منطقه شد. این سیاست سبب شد تنش و منازعه در روابط دو کشور به اوج خود برسد تا اینکه به قطع رابطه و دوری از تعاملات دو طرف منجر شد. ولی با بررسی آنچه از روابط تاریخی دو کشور به دست می‌آید این دو کشور تا زمانی

از هم دور می‌شوند که حداقل منافعی برای هم داشته باشند؛ این منافع می‌تواند کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد. در این پژوهش با بررسی روابط دو کشور در طول تاریخ روابط آن‌ها به این نتیجه رسیدیم که این مرحله با وجود منازعات و تنش‌های فراوان در مسائل حل‌نشده مختلف در روابط دو کشور و با توجه به اینکه این تنش‌ها به سود هیچ‌کدام از آن‌ها نیست و حتی این منازعات و تنش‌ها می‌تواند آن‌ها را وارد جنگ مستقیم با ضرر فراوان کند. بنا بر سخنان مقامات دو کشور در دو سال گذشته، احتمال نزدیکی و کاهش تنش و تعامل بیشتر شده است.

با توجه به اینکه در طول تاریخ روابط دو کشور، بعد از کاهش تنش در روابط همیشه یک رویداد به‌عنوان چرخشگاه شروع روابط دو کشور بوده است آنچه کاهش تنش را بین ایران و عربستان حداقل در لفظ مقامات دو کشور به‌وجود آورده، فرایندی است که شروع آن خروج آمریکا از برجام است که رویدادهایی را بعد از آن رقم زد که دو کشور به این نتیجه برسند به‌نفع هیچ‌یک از آن‌ها نیست شرایط کنونی را ادامه دهند و این شرایط فقط سبب هزینه منابع بیشتر از سوی آن‌ها برای باقی ماندن در این رقابت می‌شود. از این‌رو، برقراری روابط میان آن‌ها می‌تواند روابط برد و برد برای هر دو کشور باشد. زیرا با توجه به اظهار تمایل ایران مبنی بر مذاکره با عربستان در همه موضوعات که از سوی همه مقامات ایران به‌ویژه وزیر خارجه و رئیس‌جمهور، چندین بار در یک سال گذشته تکرار شده است، این فرصت را به عربستان و حتی آمریکا می‌دهد که به‌وسیله عربستان بتوانند جلوی اقدامات ایران را در منطقه بگیرند و حتی در موضوعاتی که ایران آن‌ها را خط قرمز خود می‌داند (مانند موضوع موشک‌های بالستیک) مذاکراتی انجام دهند و قرارداد جامعی در موضوعات مختلف منطقه‌ای با حضور همه کشورهای منطقه با ایران ببندد. در مقابل عربستان نیز بتواند به‌عنوان یک میانجی، آمریکا را به برجام برگرداند یا حتی با توجه به نفوذی که عربستان دارد بتواند مجوز فروش نفت به‌صورت محدود برای ایران به‌دست آورد. این موضوع می‌تواند ایران را که مشکلات اقتصادی فراوانی دارد و به‌دنبال یک راه تنفس و فروش نفت خود می‌گردد از بن‌بست خارج کند و یک امتیاز و برد برای ایران هم محسوب می‌شود. حتی این روابط برای کشورهای غربی نیز می‌تواند یک برد محسوب شود، زیرا با عادی‌سازی روابط و بستن قرارداد در موضوعات مختلف بین ایران و عربستان تنش و ناامنی در منطقه کاهش پیدا می‌کند و در عمل یکی از مهم‌ترین موضوعات اختلافی ایران و غربی‌ها که امنیت در رفت‌وآمد انرژی است با بسته‌شدن قرارداد با عربستان سعودی حل‌وفصل می‌شود.

با فروش محدود نفت ایران یا حتی بازگشت دوباره آمریکا به برجام یکی دیگر از موضوعات اختلافی با ایران که موضوع هسته‌ای ایران است هم حل خواهد شد. رسیدن به این شرایط کمی بلندپروازانه به نظر می‌رسد، ولی شرایط و حوادث منطقه نشان می‌دهد که دو طرف راهی جز رابطه و مذاکره در مورد همه موضوعات اختلافی با هم ندارند. در این شرایط ایران چندین بار تمایل خود را برای رابطه و مذاکره اعلام کرده است. زیرا با شرایط بد اقتصادی که ایران با آن روبه‌روست و منع شدن دولت‌مردان ایرانی از سوی حاکمیت برای مذاکره با آمریکا، راهی جز مذاکره با عربستان، هم به‌عنوان همسایه‌ای قدرتمند و هم به‌عنوان نماینده آمریکا در منطقه در این شرایط و بن‌بست اقتصادی و سیاسی ندارد. عربستان نیز راهی جز رابطه و مذاکره ندارد، زیرا با توجه به مشکلات امنیتی که در منطقه با آن روبه‌روست به‌ویژه جنگ با حوثی‌های یمن و ناامنی‌های به‌وجودآمده در خلیج‌فارس که در صورت ادامه‌دار شدن این روند احتمال افزایش ناامنی بیشتر در منطقه متصور است که می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری را بر این کشور داشته باشد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی بخش‌های مختلف این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Edward, Beauli Milton and Cliff, Peter Hinch(2011), "Crisis in the Middle East", translated by Shahrzad Rastegar Shariatpanahi, Tehran Publications.
- Jafari Valdani, Asghar (2015), Challenges and Conflicts in the Middle East, 2nd Edition, Tehran: Institute for Strategic Studies
- Hafeznia Mohammad Reza, Romina, Ebrahim, (2005) "The Evolution of Iran-Saudi Relations and its Impact on Persian Gulf Geopolitics", Geographical Research, Summer 2005, No. 77, Sahife 66-82.
- Hafeznia, Mohammad Reza (2011), Geopolitical Principles and Concepts, Mashhad, Papalii Publications, 3rd edition.
- Shafiee, Nozar and Ghanbari, Farhad (2016) "Explaining Saudi-Iran Relations in the Conceptual Framework of the Cold War", Quarterly Journal of Political and International Research, Azad University, Shahr-e-Reza No. 31, Summer 2016, pp. 140-117.
- Qasemi, hakem (2001) "The Impact of U.S. Attack on the Middle East", Quarterly Journal of Defense and Strategic Studies, No. 28, pp. 116-85.
- Naderi, Ahmad (2014) "From State-based Geopolitics to Civilization-Based Geopolitics" Quarterly Journal of Soft Power Studies, 4th Year, No. 10, pp. 123-143.
- Rabi'i, Ali (2015) History and ups and downs of Political Relations between Iran and Saudi Arabia. "http://sobhe-emrooze-iran.blogfa.com/post/59
- Sabah Alal Zayer, Al-Alaqaat al-Saudiyya Al-Iraniyat (2005-2012), Rasala Majistir, Kelayat al-Ulum al-Sayyasiyah, Jamaat-e-Baghdad, 2013, p. 113.
- Salah Mohammed, Mustafa Mohammed (2017) « Al-Soudiyya and Iran: Sara al-Adwar fi al-Sharq al-Awsat "Al-Bahrain, Soria, Valiman Nemozja"» Al-Makhras al-Dimqrati al-Arabi, Abril 2017
- Beverly Milton-Edwards, Peter Hinchcliffe, (2011), "The crisis in the Middle

- East” Translation: Shahrzad Rastegar Shariatpanahi ,Tehran: Qomes Publishing.
- Bashiri, Abbas (2004), “The Unilateralist United States of Reconciliation”, Jam Magazine, September 30.
- Rezaei, Mohsen (2005). “Regional Iran” Tehran, Geographical Organization of the Armed Forces Publications, Second Edition.
- Sadeghi aval, Hadi and Cash in Eshrat Abad, Ja’far, (2014), “(GCC) Gulf Cooperation Council reaction to Islamic awakening” , , A Quarerly Journal of Political Studies of Islamic World , Third Year, No. 11, pp. 68-49.
- Salehi, Seyed Hamzeh, Faramarz Manesh, Ehsan ,(2016), “The Role of Joint Comprehensive Plan of Action In sharpening divergence between Iran and Saudi Arabia”, United Nations Research Monthly, Second Round, No. 14, February.
- Ghasemi, Hakem, (2001), “The Impact of the American Attack on the Middle East”, Quarterly Journal Scientific Research of Stratrgic Defence Studies , Issue 28, pp. 85-116.
- Tabyin Center For Strategic Studies (2013), “The Book of the Iran-Saudi Conflict”, Internet Print, February 2013.
- Yazdan Fam , Mahmoud, (2011),” Developments in the Arab World: Shaping Power and Identity in the Middle East”, Institute for Strategic Studies, Vol. 14, No. 77-47.
- Abdo , Geneive , (2015) . The New Sectarianism: The Arab Uprisings and the Rebirth of the Shi,,a-Sunni Divide, Analysis Paper,No. 29, April 2013,The Saban Center for Middle East Policy at Brookings. <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/06/sunni-shia-abdo.pdf>
- Nasirzadeh , Samira and Alrefai , Eyad (2019) Saudi and Iran: how our two countries could make peace and bring stability to the Middle East. June 15, 2019 3.24am AEST. PhD Research Fellow, Lancaster University

Loi, Charles and Anthony H. Cordesman (2011), "Competition between the US and Iran in Iraq", Center for Strategic and International Studies, at: http://csis.org/files/publication/110302_Comp_between_US_Iran_in_Iraq.pdf.

BP Statistical Review of World Energy 2015

